





دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

با عنوان:

# منطق دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوران اصلاحات و اصول‌گرایی

**استاد راهنما:**

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

**استاد مشاور:**

دکتر حسین سلیمی

**پژوهشگر:**

محمد ملکوتی

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به

شهید

محمود ملکوتی

که در مرزهای سرزمین مادری‌ام

فراتر از واپسین آسمان رفت.

با سپاس فراوان از زحمات جناب آقای دکتر دهقانی  
فیروزآبادی و جناب آقای دکتر سلیمی  
که راهنمایی و مشاوره این پژوهش را پذیرفتند.

و با سپاس از زحمات اساتید گروه روابط بین الملل  
سالهای ۹۰ - ۱۳۸۸ دانشکده حقوق و علوم سیاسی،  
که اینجانب را در امر تحصیل یاری نمودند.

## چکیده:

بار دیگر در عرصه سیاسی ایرانیان، بروز یک بحران ملی و به چالش کشیده شدن استقلال، امنیت، حقوق ملی و هویت، باعث طرح دیدگاه‌های متعددی در میان شد. بیش از ۸ سال است که این بار روند رو به رشد فعالیت های صلح آمیز هسته‌ای دچار مخاطرات بین المللی شده، آژانس بین المللی انرژی اتمی که در واقع یک نهاد واسطه ای جهت دستیابی کشور های غیر هسته ای به فناوری صلح آمیز هسته‌ای است، پیش قراول جریانی است که از سوی کشورهای غربی هدایت می‌شود تا حداقل، این روند رو به رشد ایرانیان را کند کنند و از این رهگذر از اقداماتی چون کنترل و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای، صدور قطعنامه در شورای امنیت، تحریم‌ها، ایجاد اختلال در تأسیسات هسته‌ای، ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران و حتی تهدید به از بین بردن تأسیسات هسته‌ای فرو گذار نبودند.

اما در این بین سرشت و ماهیت دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی در مدیریت این بحران طولانی مدت را ایفا می‌کند. از این رو منابع هویتی ایرانی- اسلامی در کانون تأثیرگذاری در مبنای رفتاری دیپلماسی هسته‌ای قرار دارند. اما در بستر این انگاره‌ها، ممکن است چیدمان منابع هویتی با تغییر کارگزاران نقش‌های ویژه‌ای را برای دولت در جهت تکوین منافع ملی ترسیم می‌کند. فرضیه پیش رو در این نوشتار معتقد است که: «دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی منطق تناسب مبتنی بر رفتار در چارچوب هنجارهای بین المللی در دوران اصلاحات و هنجارهای اسلامی و ملی در دوران اصولگرایی استوار بوده است». بر این اساس رویکردهای استقلال‌گرایی، مقاومت‌گرایی، رسیدن به توانمندی قانونمند هسته‌ای و عدالت‌گرایی از منظر نقش ساختارهای هنجاری بین‌ذهنی در دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی هسته‌ای، سیاست خارجی، آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای، منطق تناسب

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- بیان مسئله..... ۲
- ۱-۲- سؤال اصلی ..... ۸
- ۱-۳- فرضیه ..... ۸
- ۱-۴- تعریف مفاهیم ..... ۸
- ۱-۵- مشکلات و تنگناهای پژوهش ..... ۱۲
- ۱-۶- پیشینه پژوهش ..... ۱۳
- ۱-۶-۱- کتب ..... ۱۴
- ۱-۶-۲- مقالات ..... ۱۹
- ۱-۷- اهداف پژوهش ..... ۲۴
- ۱-۸- روش پژوهش ..... ۲۵
- ۱-۹- سامان پژوهش ..... ۲۶

### فصل دوم: چارچوب نظری: سازه‌انگاری

- ۲-۱- مقدمه ..... ۲۸
- ۲-۲- نظریه سازه‌انگاری ..... ۲۹
- ۲-۳- نظریه سازه‌انگاری و روابط بین‌الملل ..... ۳۲

۳۵	..... مبانی هستی‌شناختی
۳۶	..... ۲-۴-۱- بر ساختگی هویت
۳۷	..... ۲-۴-۲- نقش هویت در تکوین منافع و کنش دولت‌ها
۳۹	..... ۲-۴-۳- رابطه ساختار- کارگزار
۴۴	..... ۲-۴-۳-۱- نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز
۴۶	..... ۲-۵- مبانی معرفت‌شناختی
۴۸	..... ۲-۶- منطق تناسب و تحلیل سازه‌انگاران سیاست خارجی
۵۴	..... ۲-۷- جمع بندی

### فصل سوم: رویکردی سازه‌انگارانه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۵۷	..... ۳-۱- سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۵۸	..... ۳-۲- ساختارهای هنجاری بیناذهنی و هویت‌سازی
۶۰	..... ۳-۳- منابع هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۶۱	..... ۳-۳-۱- ملی‌گرایی یا ایرانی‌گرایی
۶۲	..... ۳-۳-۲- جغرافیای سیاسی ایران
۶۴	..... ۳-۳-۳- اسلام‌گرایی شیعی
۶۵	..... ۳-۳-۴- جهان‌سوم‌گرایی
۶۷	..... ۳-۳-۵- گفتمان روابط بین‌الملل
۶۸	..... ۳-۴- نقش ملی، منطق کنش و تکوین منافع در سیاست خارجی
۶۹	..... ۳-۵- جمع بندی

## فصل چهارم: دیپلماسی هسته‌ای دوران اصلاحات

- ۱-۴- ساختارهای هنجاری و نقش ملی دولت اصلاحات ..... ۷۳
- ۱-۱-۴- نقش ملی دولت مسئول و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ..... ۷۵
- ۲-۴- فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات ..... ۷۸
- ۳-۴- آغاز مطرح شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به عنوان مسئله حاد بین‌المللی ..... ۸۲
- ۴-۴- دولت مسئول و پرونده هسته‌ای ..... ۸۵
- ۱-۴-۴- اجلاس شورای حکام در ژوئن ۲۰۰۳ و منطق کنش ایران ..... ۸۶
- ۲-۴-۴- صدور اولین قطعنامه شورای حکام آژانس (۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳) ..... ۸۷
- ۳-۴-۴- نقش‌آفرینی دولت مسئول در بیانیه تهران ..... ۸۹
- ۴-۴-۴- نشست شورای حکام و قطعنامه ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ ..... ۹۳
- ۵-۴-۴- پروتکل الحاقی: حرکت در چارچوب هنجارهای بین‌المللی ..... ۹۵
- ۶-۴-۴- تعامل سازنده در موافقت‌نامه بروکسل و رویکرد استقلال‌گرایی ..... ۹۷
- ۷-۴-۴- تعامل‌گرایی در موافقت‌نامه پاریس ..... ۱۰۲
- ۸-۴-۴- بسته ۲۰۰۵ سه کشور اروپایی و تغییر دیپلماسی دولت مسئول ..... ۱۰۵
- ۵-۴- ارزیابی منطق دیپلماسی هسته‌ای دوران اصلاحات ..... ۱۰۶

## فصل پنجم: دیپلماسی هسته‌ای دولت اصول‌گرا

- ۱-۵- ساختارهای هنجاری و نقش ملی در سیاست خارجی دولت نهم ..... ۱۱۲
- ۲-۵- پرونده هسته‌ای ایران، انگاره‌ها و منطق تناسب ..... ۱۱۶
- ۱-۲-۵- قطعنامه‌های شورای حکام آژانس در سال ۲۰۰۵ ..... ۱۱۹
- ۲-۲-۵- پایان تعلیق، آغاز غنی‌سازی: مقاومت‌گرایی دولت عدالت‌طلب ..... ۱۲۳
- ۳-۲-۵- قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت و هنجارهای مقاومت‌گرا ..... ۱۲۷



۱۲۹	.....۵-۲-۴- قطعنامه تحریمی ۱۷۳۷ شورای امنیت و نفی هنجارهای بین‌المللی
۱۳۱	.....۵-۲-۵- قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در فروردین ۱۳۸۶
۱۳۴	.....۵-۲-۶- رویکردهای فنی دیپلماسی مدالیته
۱۳۷	.....۵-۲-۷- قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت و جهان‌سوم‌گرایی دولت نهم
۱۳۸	.....۵-۲-۸- منطق تناسب و دیپلماسی بسته‌ای
۱۴۳	.....۵-۲-۹- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت در مهر ۱۳۸۷
۱۴۵	.....۵-۳- ارزیابی منطق دیپلماسی هسته‌ای دولت اصول‌گر
۱۴۸	..... نتیجه‌گیری
۱۵۳	..... کتاب شناسی

### مدل‌ها

۵۳	..... ۱- مدل منطق تناسب
۵۵	..... ۲- مدلی سازه‌انگارانه از شکل‌گیری کنش‌ها در سیاست خارجی
۷۴	..... ۳- نقش‌آفرینی هنجاری بین‌ذهنی در تکوین هویت در نقش ملی «دولت مسئول»
۱۱۶	..... ۴- نقش‌آفرینی هنجاری بین‌ذهنی در تکوین هویت در نقش ملی «عدالت طلبی»
۱۵۲	..... ۵- الگوی رویکردها در دیپلماسی هسته‌ای

---

فصل اول

کلیات پژوهش

## ۱-۱- بیان مسئله

از زمان کشف توانمندی‌های نهفته در اتم، اختراع ابزارها برای تجهیزاتی که بتواند این توانمندی‌های نهفته را به فعلیت برساند، همواره مدنظر دانشمندان و سیاست‌گذاران برخی کشورها بوده است. این روند همواره با تولید دانش و فناوری ویژه‌ای بوده که تنها در اختیار کشورهای معدودی قرار داشته است. محصولات و مصنوعاتی که در اثر ساختن ابزارها و به فعلیت رساندن توانمندی‌های نهفته در اتم تولید شده و نیز کیفیت تأسیسات متعدد این فناوری، در دنیای امروز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و نه تنها شاخصی برای سنجش توسعه و پیشرفت یک کشور، بلکه از مؤلفه‌های مهم قدرت ملی و تا حدی تأمین‌کننده امنیت ملی محسوب می‌شود.

چندی پس از تولید دانش ابزارها، محصولات و مصنوعات اتمی، استفاده از آن هم ابعاد صلح‌آمیز و هم امنیتی به خود گرفت و توزیع آنها در چارچوب مقرراتی خاص در قالب معاهدات بین‌المللی و یا تعهدات متقابل بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده درآمد. تلاش‌های فراوانی در جهان به منظور محدودسازی تولید، ذخیره‌سازی، توزیع و استفاده از توانمندی‌های مخرب اتمی انجام گرفته اما به رغم موفقیت‌هایی که در زمینه عدم اشاعه به دست آمده به علل گوناگون از جمله دارا بودن چند کشور از این توانایی، موفقیت کامل به دست نیامده است.

---

ایران نیز، مانند سایر کشورها با وجود اهمیت بنیادین دانش و صنعت هسته‌ای در مؤلفه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی و به طور کلی توسعه پایدار تصمیم گرفته است راه خود را در مسیر پر پیچ و خم استفاده صلح‌آمیز از این فناوری، باز نماید. اما در این راه، با مسئله ممانعت و بازدارندگی قدرت‌های غربی در مسیر دستیابی به فناوری هسته‌ای، مواجه شده است. در واقع، آمریکا و غرب با تمام قوای خود در صحنه‌های بین‌المللی و با طرح اتهامات متعدد و استفاده ابزاری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، تمامی تلاش خود را در جهت متوقف ساختن برنامه هسته‌ای ایران صرف می‌کنند. ایران نیز از یک سو سعی در کسب و حفظ توانمندی هسته‌ای در داخل، و از سوی دیگر اتخاذ دیپلماسی هسته‌ای در چارچوب هنجارها و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تلاش می‌کند که از فشارهای بین‌المللی کاسته و مسیر هسته‌ای شدن خود را هموار کند.

دیپلماسی هسته‌ای در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند؛ سیاست خارجی نیز بر اساس منافع مادی و غیرمادی طرح و اجرا می‌شود، منافع غیرمادی بر اساس ساختارهای هنجاری و مفاهیم بین‌ذهنی شکل می‌گیرند. به طور کلی منافع غیرمادی جمهوری اسلامی بر اساس یک سری ساختارهای هنجاری تکوین یافته که در مقاطعی از سمت‌گیری‌های سیاست خارجی، برخی از این مفاهیم و ساختارهای بین‌ذهنی نقش پررنگتری ایفا می‌کنند. برای درک و تحلیل دیپلماسی هسته‌ای در چارچوب سازه‌انگاری-که رویکرد نظری این پژوهش است- می‌بایست دو مسئله را در نظر داشت: یکی میزان توانایی و وضعیت روند پیشرفت‌های ایران در فناوری هسته‌ای و دیگری رویدادها، روند مذاکرات، کنش‌ها و واکنش‌های ایران و کشورهای غربی در این مسئله. اهمیت مسئله اول در این است فعالیت هسته‌ای ایران مورد مناقشه طرفین است، بنابراین با بررسی روند و پیشرفت‌های هسته‌ای ایران بهتر می‌توان به تحلیل و استنباط دقیق‌تری در مورد وضعیت هسته‌ای ایران و دیپلماسی هسته‌ای آن

---

دست یافت. همچنین، مطالعه رویدادها و اقدامات در دیپلماسی هسته‌ای ایران، چه به خاطر بررسی تاریخی روابط و سیاست خارجی ایران در این مسئله و نیز بررسی مبانی رفتاری دیپلماسی هسته‌ای حائز اهمیت است. از این رو به اجمال پیشینه فعالیت هسته‌ای ایران را تا بحرانی شده مسئله، در ادامه بررسی می‌شود و سایر رویدادها در فصل‌های مربوط به آن مطرح خواهد شد.

اولین اقدامات در جهت هسته‌ای شدن ایران مربوط است به دوران پیش از انقلاب؛ در سال ۱۳۳۷ دانشگاه تهران مرکزی را تحت عنوان «مرکز اتمی دانشگاه تهران» برای آموزش و پژوهش هسته‌ای پایه گذاری نمود. همچنین در این سال (۱۹۵۹) به پیشنهاد دانشگاه تهران، ساخت یک رآکتور اتمی در دستور کار هیأت دولت وقت قرار گرفت و به تصویب رسید. در این زمان، رئیس جمهور وقت آمریکا، آیزنهاور در چارچوب طرح تبلیغاتی خود، موسوم به «اتم برای صلح» یک رآکتور اتمی را به ایران و همزمان به ترکیه، اسرائیل، پاکستان و اندونزی هدیه نمود، در نهایت رآکتور دانشگاه تهران در آبان ماه ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) آماده بهره‌برداری شد (نجفی و مقدم، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۱).

با ایجاد رآکتور اتمی دانشگاه تهران که نقطه آغاز مهمی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران به حساب می‌آمد و برخی از کارشناسان ایرانی نیز در آن حضور داشتند، تحول مثبتی در زمینه ایجاد صنایع هسته‌ای در کشور صورت گرفت. هدف این مرکز تأمین رادیو ایزوتوپ‌های مورد نیاز صنایع پزشکی و کشاورزی بود. البته پیش از این ایران، به عضویت آژانس در سال ۱۹۵۸ درآمده بود و از این پس تحت نظارت آژانس عمل می‌کرد. در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴)، سازمان انرژی اتمی در ایران، تأسیس شد و با گسترش سریع، عهده دار تعهدات سنگین ساخت ۴ نیروگاه در بوشهر و دارخوین، ایجاد تأسیسات آب شیرین کن در بوشهر، تأمین سوخت و پشتیبانی تکنولوژیکی از نیروگاه‌ها و قرارداد ساخت ۴ نیروگاه دیگر در اصفهان و استان مرکزی شد (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۸۷). ایران در نوامبر ۱۹۷۴ قرارداد احداث

---

دو رآکتور آب سنگین ۱۳۰۰ مگاواتی، برای نصب در بوشهر را با شرکت آلمانی زیمنس به امضاء رساند و در این زمینه بیش از ۲ هزار متخصص آلمانی و کارشناس ایرانی اجرای آن را آغاز کردند و پیش بینی می شد این پروژه عظیم تا پایان سال ۱۹۸۰ تکمیل شود که وقوع انقلاب ایران و آغاز جنگ ادامه آن را متوقف ساخت (غریب آبادی، (الف) ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱).

ایران و آمریکا در سال ۱۹۷۴ نسبت به ایجاد یک کمیسیون مشترک با نیت تقویت همکاری در همه زمینه‌ها از جمله همکاری در زمینه علوم هسته‌ای به خصوص تولید انرژی هسته‌ای توافق نمودند. همچنین بر اساس توافق به عمل آمده، پیشنهاد شد که همکاری‌های هسته‌ای بین ایران و آمریکا به عنوان بخشی از برنامه کمیسیون مشترک ایران و آمریکا بوده و انرژی هسته‌ای تحت سرپرستی اداره تحقیقات و توسعه انرژی آمریکا قرار گیرد. در سال ۱۹۷۵، هوشنگ انصاری، وزیر امور اقتصاد و دارایی ایران، با وزیر امور خارجه آمریکا یک قرارداد گسترده اقتصادی که شامل فروش ۸ رآکتور به ارزش ۶/۴ میلیارد دلار به ایران بود را امضاء کردند. کمیسیون انرژی آمریکا موافقت کرد که یک رآکتور آب سبک به ظرفیت ۱۲۰۰ مگاوات همراه سوخت آن به ایران فروخته شود و همچنین، یک قرارداد اولیه برای تأمین سوخت مربوط به رآکتورهای دیگر ایران نیز امضاء شد (غریب آبادی، (ب) ۱۳۸۷: ۱۱-۹).

در این دوره ایران به طور گسترده‌تری با آلمان و فرانسه و به طور محدودتری با کشورهای هند، انگلیس، استرالیا، کانادا و آفریقای جنوبی قرارداد همکاری هسته‌ای امضاء کرد. در ماه اوت ۱۹۷۵ شرکت کرافت‌ورک یونیون<sup>۱</sup>، در آلمان غربی کار روی نیروگاه‌های هسته‌ای ایران را طبق قرارداد امضاء کرد. در همین سال، ایران ۱۰ درصد از سهام مجتمع غنی‌سازی اورانیوم اورودیف<sup>۲</sup> را که قرار بود در

---

1- Kraftwerk Union  
2- Eurodif

---

منطقه تریکاستن فرانسه احداث شود، خریداری نمود. این سهام بخشی از یک کنسرسیوم فرانسوی، بلژیکی، اسپانیایی و ایتالیایی بود و ایران به موجب موافقت نامه امضاء شده می توانست به فن آوری غنی سازی (اورودیف) دسترسی یابد و نیز موافقت شد ایران مقدار مشخصی از اورانیوم غنی شده از کارخانه مذکور را که به شدت برای تولید رادیو ایزوتوپ های رآکتورهای خود و عمدتاً برای استفاده های پزشکی نیاز داشت، دریافت کند. در سال ۱۹۷۶ نیز، بر اساس قراردادی مشترک، انگلیس و فرانسه به طور مشترک، تحقیقات برای احداث تأسیسات هسته ای در اصفهان (ایجاد چرخه سوخت) را آغاز کردند. در سال ۱۹۷۷، فرانسه برای احداث ۲ نیروگاه هسته ای به ظرفیت ۹۰۰ مگاوات در دارخوین، نزدیکی اهواز با ایران به توافق رسید. در دسامبر ۱۹۷۷، آلمان غربی در ازای دریافت ۴/۸ میلیارد دلار مجوز ساخت ۴ رآکتور هسته ای را مجدداً به شرکت کرافت ورک یونیون، داد. تا پایان حکومت پهلوی یعنی فوریه ۱۹۷۹، رآکتور شماره یک بوشهر به میزان ۸۵ درصد و احداث رآکتور شماره ۲ نیز ۶۵ درصد به پیشرفت فیزیکی رسید (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۹۰-۲۸۶).

با پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ سیاست کشورهای غربی نسبت به ایران تغییر کرد و به سیاست تحریم تکنولوژیک ایران تبدیل شد. شرکت آلمانی زیمنس، حاضر به تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر نشد و به جای آن پیشنهاد تکمیل این طرح با رآکتورهایی که با گاز طبیعی کار می کردند را داد، که ایران با آن مخالفت کرد. ایران در این برهه نمی توانست فشار بین المللی چندانی به آلمان غربی وارد کند، سرانجام در مشاجره حقوقی این مسئله، شرکت زیمنس با حمایت کمیسیون تجارت بین المللی در پاریس (در سال ۱۹۸۸)، پیروز شد. همچنین، فسخ قرارداد بزرگ ۲ میلیارد دلاری تأسیسات غنی سازی اورانیوم (یورودیف) فرانسه، که منجر به پرداخت خسارت ۹۰۰ میلیون فرانکی از

---

سوی ایران شد، تبعات جبران ناپذیری را برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران در پی داشت (علیخانی، ۱۳۸۸: ۹۷-۱۰۰).

جنگ تحمیلی نیز، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در ابتدا دچار رکود کرد و بسیاری از طرح‌های هسته‌ای متوقف شدند و به موازات عواملی چون حملات نظامی و تحریم اقتصادی و صنعتی، تصمیمات غیر کارشناسانه و عدم موقعیت سنجی صحیح سیر نزولی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تشدید کرد. پس از پایان جنگ، با وجود خسارت‌های زیادی که تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران در این زمان متحمل شده بود، با آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، فعالیت‌های هسته‌ای بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. در این رابطه ایران با کشورهای چون آلمان، آرژانتین و اسپانیا در زمینه بازسازی رآکتور هسته‌ای وارد مذاکره شد که نتیجه‌ای دربر نداشت. همچنین ایران در سال ۱۳۷۱ قراردادی با چینی‌ها برای ساخت تأسیسات UCF اصفهان به مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار منعقد کرد، با این حال چین هم مانند سایر کشورها، به واسطه فشارهای آمریکا، نتوانست به همکاری خود با ایران در این زمینه ادامه دهد. ایران در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۴ (آبان ۱۳۷۲) اعلام کرد که روسیه با معامله ۷۸۰ میلیون دلاری برای تکمیل یک رآکتور در بوشهر، که شرکت‌های آلمانی احداث آن را در زمان شاه آغاز کرده بودند، موافقت کرده است. ایران این موافقت‌نامه را در ۸ ژانویه ۱۹۹۵ (دی ۱۳۷۲) امضاء کرد و در زمان امضاء ارزش معامله به ۸۵۰ میلیون دلار افزایش یافت (علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۴). مسئله مهم این سالها این است که تلاش‌های دانشمندان هسته‌ای ایران بیش از پیش جدی شد و در سال‌های پس از آن، می‌توان به پیشرفت فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همچون پروژه UCF اصفهان، تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و کارخانه تولید آب سنگین اراک اشاره کرد.

۲-۱- سؤال اصلی



---

- دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر چه منطقی استوار است؟

### ۳-۱- فرضیه

- دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر پایه منطق تناسب، عمدتاً مبتنی بر رفتار در چارچوب هنجارهای بین‌المللی در دوران اصلاحات و هنجارهای اسلامی و ملی در دوران اصول‌گرایی استوار بوده است.

### ۴-۱- تعریف مفاهیم

**دیپلماسی هسته‌ای:** بارستون در کتاب «دیپلماسی مدرن»، دیپلماسی را شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی دولت‌ها دانسته است. این دو (سیاست خارجی و دیپلماسی) دارای دو معنای متفاوت هستند، سیاست خارجی عبارت از مجموعه اصول و اهدافی است که یک دولت در رابطه با دولت‌های دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی در نظر می‌گیرد، اما واژه دیپلماسی فراتر و عام‌تر از سیاست خارجی است و بیشتر در دو معنای ذیل به کار برده شده است:

۱- فرایندی که از طریق آن روابط بین‌الملل هدایت می‌شود؛

۲- مجموعه‌ای از ساز و کارها و ساختارهایی که از طریق آنها، این فرایندها اجراء می‌گردد. بنابراین واژه دیپلماسی هم شامل فرایندها و هم ساز و کارهای اجرای آن می‌شود، در حالی که سیاست خارجی ساز و کارها را در بر نمی‌گیرد (وحیدی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۵). دیپلماسی واجد سه عنصر است: ۱. روش یا ابزاری است برای پیشبرد موفقیت و دستیابی به هدف؛ ۲. معطوف به روابط خارجی است؛ ۳. منحصر به مذاکره، گفتگو و شیوه‌های مسالمت‌آمیز است. بر این اساس، دیپلماسی هسته‌ای یعنی به

---

کارگیری ابزارهای مسالمت‌آمیز و مبتکرانه در تعاملات بین‌المللی برای حفظ، دفاع و تحقق اهداف هسته‌ای کشور (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

**منطق تناسب<sup>۱</sup>:** در مقابل «منطق نتیجه» قرار می‌گیرد، منطقی که اشاره به بازیگری دارد که کنش‌ها و اقدام‌های خود را بر پایه نتایج و پیامدهای مورد انتظاری که برای اهدافش دارد اتخاذ می‌کند و یا دولتی که صرفاً در پی کسب منافع مادی و از پیش فرض شده است. مبتنی بودن رفتار و اقدام دولتی بر اساس «منطق تناسب»، یعنی رفتار کشورها باید با هنجارها و ارزش‌ها و مفاهیم بین‌ذهنی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی - فرهنگی و حضور در نهادها است و نقش اجتماعی آنان ایجاب می‌کند، سازگاری و تناسب داشته باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۰ - به نقل از هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۱-۹۳۰).

**آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای:** دولت آمریکا در زمان آیزنهاور پیشنهاد «اتم برای صلح» را در هشتمین نشست مجمع عمومی ملل متحد مطرح کرد و خواستار آن شد که برای پاسداری و تضمین فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، سازمانی بین‌المللی ایجاد شود تا بتواند مانع از توسعه تسلیحات هسته‌ای توسط کشورهای دیگر باشد. نتیجه این پیشنهاد در نهایت منجر به تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۵۷ شد. این سازمان، یک سازمان بین‌دولتی، علمی و فناوری مدار مستقل در خانوار سازمان ملل باشد و به عنوان نقطه تماس جهانی برای همکاری هسته‌ای عمل می‌کند. دیگر این که، در چارچوب اهداف اجتماعی و اقتصادی به کشورهای عضو در برنامه‌ریزی و استفاده از علم و فناوری هسته‌ای برای مقاصد متنوع صلح‌آمیز کمک کند و انتقال این قبیل فناوری و دانش را به شکلی پایدار به کشورهای در حال توسعه عضو، تسهیل نماید. همچنین از طریق سیستم بازرسی، تبعیت کشورها را از

---

تعهدات خود بر اساس پیمان منع گسترش و سایر موافقت‌نامه‌های عدم اشاعه، برای استفاده از تأسیسات و مواد هسته‌ای، فقط برای مصارف صلح‌آمیز تأیید کند. افزون بر این، در اساسنامه آمده است که آژانس، «استانداردهای ایمنی هسته‌ای را تدوین می‌کند و بر اساس این استانداردها، دستیابی و حفظ میزان بالای ایمنی در کاربرد انرژی هسته‌ای را گسترش می‌دهد» (اساسنامه آژانس).

آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از سه رکن اصلی تشکیل شده است: کنفرانس عمومی، شورای حکام و دبیرخانه که در رأس آن، دبیر کل قرار دارد. کنفرانس عمومی، که تمام اعضای آژانس در آن عضویت دارند، هر سال یک بار در ماه سپتامبر در مقر خود در شهر وین، اجلاس برگزار می‌کند و برنامه‌ها و سیاست‌های کلی آژانس را ترسیم و تصویب می‌نماید. از جمله مسئولیت‌ها و اختیارات مهم کنفرانس عمومی می‌توان تصویب بودجه و برنامه آژانس، تصویب انتصاب دبیر کل و انتخاب ۲۲ عضو شورای حکام را نام برد. تصمیمات کنفرانس در زمینه مسائل مالی، اصلاح اساسنامه آژانس و تعلیق عضویت اعضا با رأی اکثریت دوسوم و سایر زمینه‌ها، با رأی اکثریت اعضا اتخاذ می‌شود (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۸-۵).

**شورای حکام:** یکی از ارکان اصلی آژانس است که ۳۵ عضو دارد. سیزده کشور عضو دائم و ۲۲ کشور دیگر به صورت دوره‌ای از میان کشورها انتخاب می‌شوند. شورای حکام در هر سال معمولاً چهار بار تشکیل جلسه می‌دهد و مسئولیت کلی انجام و کارکردهای آژانس را بر عهده دارد. از ۳۵ عضو شورا، ۲۲ عضو توسط کنفرانس عمومی، با رعایت انصاف و با در نظر گرفتن مناطق جغرافیایی مختلف انتخاب می‌شوند؛ حال آن که سیزده عضو دیگر را شورای حکام از میان کشورهای که در زمینه فناوری هسته‌ای و تولید مواد اتمی پیشرفته هستند، بر می‌گزیند. دبیر کل با توصیه شورای حکام

---

و تصویب کنفرانس عمومی، برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شود (موسی زاده، ۱۳۸۲: ۲۴۱-۲۴۰).

پیمان منع گسترش (عدم اشاعه)<sup>۱</sup> سلاح‌های هسته‌ای: پس از تشکیل آژانس، کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل در سال ۱۹۶۸، پیش‌نویس پیمانی را تحت عنوان «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» تهیه کرد و در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل قرار داد تا آن را تصویب کند. به این ترتیب با اجرایی شدن این پیمان در سال ۱۹۷۰ زمینه برای اشاعه رسمی سلاح‌های هسته‌ای تا حدودی از میان رفت. بر اساس این پیمان، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند که از انتقال سلاح هسته‌ای به سایر کشورها خودداری کنند. از سوی دیگر کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز متعهد می‌شدند که هیچ گونه سلاح هسته‌ای یا دیگر مواد منفجره هسته‌ای دریافت نکنند و از تلاش برای ساخت یا کسب این سلاح‌ها پرهیز کنند (غریب آبادی (الف)، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۳).

پروتکل الحاقی: در سال ۱۹۹۳ شورای حکام آژانس تصمیمات متعددی در خصوص تقویت سیستم نظارتی معاهده منع گسترش گرفت، این به خاطر روبه رو شدن جامعه بین‌المللی با دو چالش جدی از اوایل دهه ۹۰ برای کنترل تسلیحات هسته‌ای بود. در سال ۱۹۹۱ پس از جنگ خلیج فارس، آژانس دریافت که عراق دارای برنامه پیشرفته سلاح‌های هسته‌ای بوده است. این در حالی بود که این کشور پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء کرده و ظاهراً از مقررات پادمان تبعیت می‌کرده است. در سال ۱۹۹۳ نیز کره شمالی هیأت بازرسی آژانس بین‌المللی را نپذیرفت و ضمن اعلام اینکه به توان هسته‌ای دست‌یافته است، تهدید کرد که از این پیمان خارج خواهد شد. بر ملا شدن این امر که